

نشانگاه پیام نور استان مرکزی
اجتماعی و فرهنگی - انجمن

امروزی ها

سال اول - شماره سوم - ۱۳۸۷



۱۳۹۱
مهر ماه
۱۳۹۱



امروزی ها



سرمقاله



بنام آنکه جان را فکرت آموخت

سلامی و ارادتی به فریخته‌گان و دانش‌پژوهان دانشگاه پیام نور استان مرکزی، به دوستان دیر آشنا و نیز به دانشجویان جدیدالورودی که از این پس حضور کرمان را در جای جای دانشگاه حس خواهیم کرد به آنانی که هم در عرصه علم قدم می‌گذارند و هم در عرصه ایمان ریشه می‌دانند و با آرامش خاطر در مسیر علم و اخلاق برای بهتر زیستن گام برمی‌دارند.

سلام ویژه به دوستان گروه نشریه (امروزی ها) قدیم و جدیدی که دوستانی که سابقاً با قلم خوش جهاد علمی، اخلاقی و اجتماعی خوبی در این نشریه ایفا نمودند و به دوستانی که از این ترم به بعد آماده این مجاهدت و تلاش بزرگ و ماندگار، گردیده‌اند. دوستان فریخته با آموزش و اطلاع رسانی از حیطه ذاتی یک دانش‌پژوه محسوب می‌شود که در این راستا هیچ وقت آرام و قرار ندارد آنهم در دانشگاه، دانشگاهی که شکل دهنده جای جای زندگی مادر جهان معاصر گردیده است بنابراین از سویی علی‌رغم کوتاهی زمان باید اطلاعات بسیاری در دانشگاه کسب کنیم و از سویی دیگر باید روشنگری و اطلاع رسانی زیادی به دیگر دانش‌پژوهان داشته باشیم لذا مادر دقت‌نهادر سبزی دانشگاه بر آن شدیم تا با تلاش بی‌نی و قصد عزیزان در نشریه امروزی های این دفتر، بتوانیم گام‌های بلند و بیشتر و بهتری را در عرصه نشریات دانشگاهی برداشته و دین خوش را بهتر ادا کرده باشیم.

بر این اساس با نظر به شرایط خاص کشور، سعی می‌شود توجه به امور ذیل را از اولویت های نشریه ای خود قرار دهیم
اول: اینکه شرایط ویروسی و حساس کشور که احتمالاً تا چند ماه سال آینده ادامه خواهد داشت می‌طلبد که بخشی از مقالات با تنوع خاص خود به روشنگری و راه‌های مقابله و ریشه کن کردن این ویروس مخرب اختصاص یابد.

دوم: سوق دادن دوستان فریخته به کسب آرامش معنوی و روحی برای خود و اعضای خانواده.

سوم: ترغیب و نشر مطالبی پیرامون تعاون و همکاری اجتماعی به ویژه در این شرایط حساس کشور.

چهارم: نشر مطالب و طفره‌های تنوع و آموزنده و شادکننده سایر مقالات و.....

در پایان برای همه تلاش‌گران عرصه دانش و فرهنگ از خداوند منان سربلندی و توفیق روز افزون مسئلت دارم.

ابوالفضل ملاعلی‌مسئول نهاد سبزی در دانشگاه



امروزی ما



دو القطار

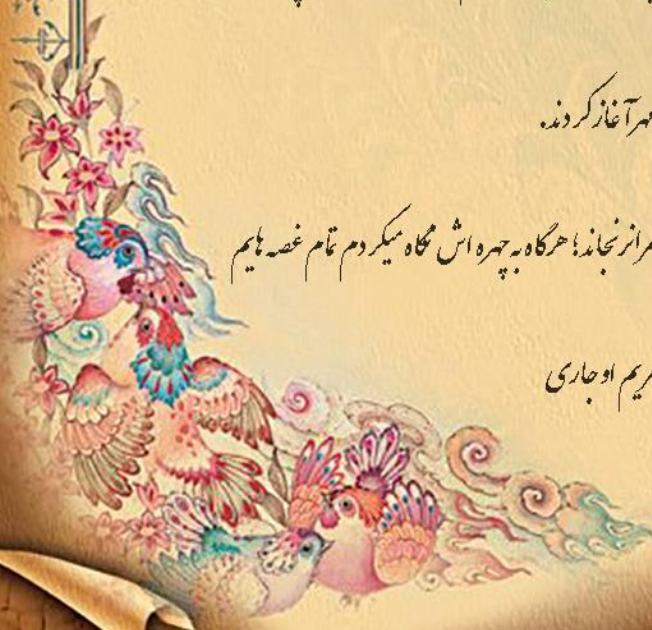
از ما مورست بر میکشتم مظر غاندم که ماشین بیادونبالم سوار تا کسی شدم. راننده تا کسی جوانی بود محاه معناداری به من کرد
 بهش گفتیم: آشنا بظر مام؟
 گفت: شما با سردار سلیمانی کسبتی دارید؟
 گفتیم: من خود سردار، ستم.
 جوان خندید و گفت: شما میجویی مارورنگ کنی؟!
 خندیدم گفتیم: من سردار سلیمانی، ستم.
 باور نکرد و گفت: بگو بجزا که سرداری
 گفتیم: بجزا سردارم.
 سکوت کرد و چیزی نگفت.
 برگرفته از خاطرات سردار قاسم سلیمانی



پیوند سرد ماه

ببخامی که آن کسی که لغت خدا بر او با سیلی محکمی بر فاطمه زحرار دوز از کوه گذشته، ایشان به امام حسن فرمود: مبادا به پدرت علی چیزی
 بگویی... تو خود حدیث منصل خوان ازین محل...
 علی عاشق فاطمه بود، آنها زندگی مشترک خود را در خانه ای ساده اما پر از نور و مهر آغاز کردند.
 فاطمه راز دار علی و علی پناحگاه فاطمه بود.
 حضرت با محاسنی به زندگی فرمود: هیچ گاه فاطمه از من نرنجید و او نیز هیچگاه مرا نرنجاند؛ هرگاه به چهره اش محاه میکردم تمام غصه هایم
 بر طرف میشد و در دایم را فراموش میکردم.

مریم اوجاری



امروزی ما



ناکجا آباد

پرسید: چرا میخوایی درباره‌ی خدا بدانی؟

گفتم: هر کسی حق دارد که پرسد و با عقل خدای خودش را انتخاب کند. نگذرد تو هم از این آدمایی هستی که اگر کسی خلاف وجود خدا صحبت کند، او را کافر میخوانی!

پرسیدم: چرا ما نمیتوانیم کامل خدا رو بشناسیم؟ چرا خودش این دک از شناخت را به ما نمیدهد تا ما دچار سردرگمی نشویم؟
گفت: خب اول یک سوال از خودت میپرسم: تو اگر توانایی داشته باشی تا ربانی را خلق کنی، اینکار را میکنی یا نه؟
گفتم: اگر بتوانم چرا که نه.

گفت: حالا تو ربات را بالاتر از تفکر و آگاهی خودت خلق میکنی؟

گفتم: خب معلومه که نه؛ بالاتر باشه و یک خودم هم نمیتونم بهش برسم.

گفت: خداوند وسیع تر از تفکرات، چون ما مخلوق اویم و عقل ما نسبت به شناخت ذات خدا پامین تراست.

گفتم: ما همیشه نسبت به همه چیز پامین تریم، اصلاً آفریده شدیم که چکار کنیم؟

گفت: ایستوری نگو، ما آپشنی داریم که حتی فرشتگان هم ندارند.

گفتم: خب چه آپشنی؟

گفت: روح خدا...

(ادامه دارد...)



ستاره همتی



امروزی ما

آنچه در دانشگاه بر ما میگذرد

مدرسم تموم شد و وارد دانشگاه شدم. دیدم ای دل غافل! دانشگاه و مدرسه با هم ادغام شدند
امکار صدای زنگ مدرسه دست از سر من نمیخوابد و راه با رفتم سلف تابه غذایی تو این خندق بلا بریزم از
منوی عریض و طویل سلف، همبرگر رو انتخاب کردم بعد از تحویل کار اول رو که به ساندویچ زوم و دیدم عه فقط
نونه! کفتم عیب ندازه مثل آهنگ اولش آهنگ خالیه یکم جلوتر بره تازه به خواننده میرسه.
هرچی جلوتر میرفتم میدیدم که نه، خبری نیست! نون رو باز کردم و دیدم ای دادگلا نوار خاله!
نون بود! کوجه بود! خیار شور بود! ولی اصل مطلب نبود! برش کرد و دادم سلف و ساندویچ جدید گرفتم.
خلاصه بعد از خوردن غذا رفتم برای کلاس بعدی یاد اصل چرت بعد از نهار....!

موقع برگشت به خونه کابوس میسکیم به سراغم اومد.

پل صراط انا! بیخید، پل هوایی دانشگاه! پله ها رو سلانه سلانه بالا میرفتم که دیدم اتوبوس آمد.
خدا میدونه مثل اسب رستم سمت اتوبوس دویدم! راننده باصفا بهم که دید دارم چو جوری میدوم صبر کرد تا سوار
بشم.

مثل همیشه جابرای نشستن نبود و ختر احم تا پشت صندلی راننده نشسته بودند. جرئت هم نداشتم بهشون
چیزی بگیم! امکار حق طبیعی اونها بود. مثل همیشه به میل و تکیه دادم و یاد این شعر افتادم:

اگر دیدی جوانی بر میل ای تکیه کرده

بدان صندلی با پر شد و غم رخنه کرده

نویسنده: نجمه یگنم

امروزی ها

عصرت نامه

وقتی صحبت از گناهه بگیره میشه، اعالی مثل غیبت، قضا، شرک و زیدین به خدا... به ذهنمان میرسد. اما خیلی از اعمال ناشایسته دیگری هم هست که در ظاهر کم اهمیتند ولی در واقع خشم و غضب الهی را همراه دارد... یکی از این اعمال، دورویی و دوزبانیست.



آدم دوزبان یعنی کسی که اظهارات ضد و تیض دارد و بر حسب هر حالی برای جلب نفع دنیوی سخن های مختلف میگوید. مثلاً به چیزی گواهی میدهد و بعد خلافتش را اظهار میدارد یا در حضور کسی از او تمجید میکند و پشت سرش از او بدگویی میکند.

حضرت صادق علیه السلام میفرماید: هر کس با مسلمانان، دور و دوزبان باشد روز قیامت میاید در حالی که دوزبان از آتش دارد. (برگرفته شده از کتاب گناهان بگیره، شهید آیت الله دستغیب)



گذری بر حقوق زنان

زنان ایرانی طی دوره های تاریخی مختلف تغییرات زیادی کرده است این حقوق شامل ازدواج، حق طلاق، حق تحصیل و... میباشد. از بین ۱۳۵ کشور در جهان ایران رتبه ۱۲۷ در خصوص نابرابری زنان و مردان دارد. حال به برخی سوالات راجب حق زنان در مجتبی خانواده میپردازیم:



حانیه رحیمزاده

۱. آیا شوهر میتواند از درس خواندن و یا کار کردن، همسر خود که کارمند میباشد جلوگیری نماید؟
جواب: اگر با شرط خروج از منزل و اشتغال کارمندی ازدواج کرده، شوهر نمیتواند مانع شود.

۲. اگر مردی برای انتقام و اذیت کردن زن خود به او اجازه ندهد که از منزل خارج شود آیا زن باید اطاعت کند؟
جواب: تا وقتی که علم بر رفع لزوم اطاعت از شوهر پیدا نکرده باشد باید اطاعت کند.

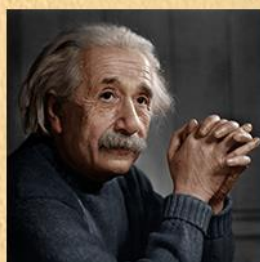


امروزی ما



پروفیسر سمیعی:

آدم مذہبی نیتم ویلی از آنائی که بیچ پامیند نیتمند میترسم. کسانی که عقل و خرد خود را قبول دارند، شمار از نهایت (بیچ) میندارند. آدم، مذہبی نیتم اما خدا، همه دارایی من است.



ایشین: دانش بدون دین، لنگ است و دین بدون دانش، کور.

شام پریشانی

امروزه اکثر مردم بهنگام صحبت بایکدیگر از اصطلاحاتی استفاده میکنند که بافرهنگ دینی ما سازگاری ندارند بصورتی نمونه برخی از این محاورات نادست اشاره میکنیم:
(خدا بندهد) این سخن در برخورد با افراد میریض یا کسانی که به مشکل خوردن مطرح میگردد، این کلام امانت به پروردگار است. خداوند متعال فرموده: بیچ خوبی به شامیرسد مگر از ناحیه خدا و بیچ بدی به شامیرسد مگر از ناحیه خودتان به خاطر اعمال خودتان. (ولش کردی به امان خدا)
اگر کسی مال یا فرزند خود را به امان خدا بسپارد که غمی نیست بهتر است به جای این کلمه بگویم ولش کردی به امان خودش.

ساز خوشنواز (رشته حقوق)

امروزی ما



فاطمه حبیبی

حرکت وزندگی

پیامبر اکرم (ص) میفرماید:

ان لربك عليك حقاوان بجدك عليك حقا ولا حلك عليك حقا

پیامبر آتقدبر برای جسم و بدن ارزش قائل است که حق بدن را در دین حق پروردگار و در کنار حق خانواده ذکر می کند. بدن انسان برخلاف ماشین یا هر وسیله دیگر که بر اثر کار و فعالیت مستلک می گردد با فعالیت جان گرفته و توانایی بیشتری کسب می نماید. در زمان های گذشته حرکت و تمرین های بدنی بخشی از کارهای روزانه فرد به شمار می رفت، اما امروزه بر اثر پیشرفت تکنولوژی و ماشین باید بیشتر از گذشته در جسمی حرکت بوده و حرفه دایستی آن را در برنامه های روزانه ای خود بگنجانند. پس این تابع اراده توست که بهانه را کنار بگذاری و برای سلامتی و خودت ورزش کنی و بدان که اگر امروز وقت برای ورزش نگذارد در آینده وقت زیادی برای بیماری خواهید گذاشت. انتخاب با خودمان است: ورزش و سلامتی یا تبلی و بیماری؟



امروزی ما

کالدی از جنس نور

مسافرت قهرمانی ۷ کیلومتر با نگاه ما بود. او همه حرفان را یکی پس از دیگری شکست داد و به نیمه نهایی رسید اما در نیمه نهایی خیلی بد کشتی گرفت و بایک امتیاز بازی را واگذار کرد. آن سال او مقام سوم را کسب کرد. سال بعد حریفش را دیدم، آمده بود تا به او سر بزنند. آن آقا از خاطر ایشان تعریف میکرد و با دقت گوش میدادیم تا اینکه شروع به گفتن داستان آشنایشان کرد اما هر چه میخواست آن ماجرا را تعریف کند وی، بحث را عوض میکرد. روز بعد که آن آقا را دیدم خواستم تا ماجرا را برایم تعریف کند و شروع کرد به گفتن:

تا تو مسافرت قهرمانی ۷ کیلومتر با نگاه ما با هم آشنا شدیم. آن سال من یکی از پاهایم شدیداً آسیب دیده بود و وقتی فهمیدم که حریف نیمه نهایی من اوست، قبل از مسابقه پیش رفتم ازش خواستم تا مراعات حال مرا بکند او هم گفت باشد و او اش چشمم.

با اینکه سگروا فن بانی بود که روی پامیزد اما اصلاً به پای من نزدیک نشد. من هم در کمال نامردی به خاک ازش گرفتم و به فینال رفتم. رقیب فینال بچه محل خودمون بود و من فکر میکردم همه مثل او با مرام و معرفت اما حریف فینال دقیقاً اولین حرکت پای آسیب دیده من را گرفت و من را روی زمین انداخت. آن سال من دوم شدم و او سوم. حق او قهرمانی بود اما خوب خودش از شکستش ناراحت نبود چون قهرمانی برایش تعریف دیگری داشت. بعد از تمام شدن حرفهایش خدا حافظی کرد و رفت و من به یاد آوردم که در مقرر سپاه کیلان غرب روی دیوار در کنار عکسش این جمله را نوشته بودند:

مشکل کارهای ما اینه...! "ابراهیم هادی رزمنده ای بانصائص پوریای ولی"

برای رضای همه کارمی کنیم...

سایتش اینی

نه جز خدا...

امروزی ما



ملیکا مشتاقی

ای پیدترین پنهان من

فرض کن حضرت مهدی بر تو ظاهر گردد
ظاهرت هست چنانکه خجالت کنشی
باطنت هست پسندیده صاحب نظری
لقمه ات در خوراوست که نزدش سبری
خازنات لایق او هست که همان گردد

بول سالم زهره دارایت، داری یک کادو برایش بخری
حاضری کوشی همراه تو را جاک بکند با این شرط که در حافظه، دستی سبری
کرد و افضی بر اعمال خودت، بیشتر از دیگران میتوان گفت تو را شیعه عینی عشقش

کله نامه



فسیم جوانی

خب دیکه از هر چه بگذریم حرف دل داشته جوان خوش تر است.
بریم سراغ افتاد های شما:

۱. کیفیت غذای سلف و مقدار غذایش که
- جواب: ما شاء الله! ما همون غذایی هم که سجادش میدیم میمون.
۲. کلاس با خلی که مخصوصا برای درس های تخصصی باید به دانشجو ساجدن.
- جواب: شما نمونی باز یک دانشجوی دغدغه مندی ما همون دو تا کلاس هم میبریم
۳. چرا بر نامه ی کلاس اقدر در میاد؟
- جواب: کرو ناما زار شده دیک اصلا نماد
- باشد که مسئولین محترم گوشه چشمی به این افتادات کنند.

در انتخابات ۱۴۰۰
به کرو نارانی میدیم!!!

چون عدالت را رعایت می کند
بابچه ما خوب است!
زندانیها را آزاد کرد!
بهداشت را عمومی کرد
همه را زیاده و دگر خدا انداخت
نفعت را در بازار جهانی کاهش داد!
قیمت برخی خدمات مثل هواپیمایی و
هتل ها را کاهش داد

خانواده ما توجه شان به پیران و افراد
ضعیف خانواده بیشتر جلب شد!
ترافیک و آلودگی هوا کمتر شد
به کرو نارانی میدیم
چون همه را هوشیار کرد.
و خواب را از چشم مسئولین گرفت..



